

معرفی بانوان فعال در عرصه گسترش مبانی دین اسلام در زمان امام صادق (علیه السلام)

افسون ضیغمی^۱

چکیده

نقش زنان در گسترش و تبلیغ و تبیین مبانی دین اسلام در زمان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و نقش برجسته‌ی آنان در راستای اهداف معصومین (علیهم السلام) و مجاهدات خالصانه‌ی آنان، موضوعی است که همواره از قلم تاریخ پنهان مانده است. مقاله‌ی حاضر به معرفی بانوان فعال در گسترش مبانی دین اسلام در زمان امام صادق (علیه السلام) می‌پردازد. چرا که در دوران امامت ایشان به دلیل رشد و شکوفایی علوم و معارف اسلامی، بستری مناسب برای حضور و فعالیت بانوان بیش از پیش فراهم گردید. این پژوهش با تکیه بر منابع تاریخی و روایی، به شناسایی و معرفی فعالیت‌های این بانوان می‌پردازد. هدف از این مقاله، برجسته سازی ابعاد کمتر دیده شده از تاریخ اسلام و معرفی الگوهایی از زنان فرهیخته و تاثیرگذار است که در مسیر اعتلای دین مبین اسلام گام برداشته‌اند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای (اسنادی)، به بررسی و تبیین نقش بانوان در گسترش مبانی دین اسلام در عصر امام صادق (علیه السلام) می‌پردازد. در این راستا، با مراجعه به منابع اصیل اسلامی، کتب تاریخی، و پژوهش‌های مرتبط، ابتدا نمونه‌هایی از بانوان فعال شناسایی شده و سپس فعالیت‌ها و سهم آنان در ترویج معارف اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: بانوان فعال، عصر امام صادق (علیه السلام)، تشیع، اسلام.

^۱ . سطح ۲، حوزه علمیه حضرت خدیجه سلام الله علیها، بندر ماهشهر، خوزستان

reyhooon۷۴.ooo@gmail.com

مقدمه

شناخت جایگاه زنان و نقش موثر آنان در پیشبرد اهداف دین و رفع اتهام منفعل بودن آنان در عرصه‌های مختلف، از مهم‌ترین وظایف حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخی است که می‌تواند عاملی موثر در ترغیب و تشویق بانوان عصر حاضر و همچنین الگویی روشن و مناسب برای نسل امروز باشد که برای ادامه‌ی این مسیر و رسیدن به اهداف متعالی اسلام بسیار حائز اهمیت است. عصر امام صادق (علیه السلام) به دلیل گسترش چشمگیر مباحث علمی، فقهی و کلامی و توسعه‌ی علوم مختلف، مقطعی طلایی در تاریخ اسلام محسوب می‌شود. در این دوره شاگردان بسیاری از محضر امام معصوم کسب فیض کردند و علوم اهل بیت (علیهم السلام) به اقصی نقاط جهان اسلام صادر گردید.

حال سوال اصلی این است: نقش بانوان شیعه در عرصه‌ی گسترش مبانی دین اسلام در زمان امام صادق (علیه السلام) چیست؟ آیا زنان هم‌پای مردان در عرصه‌های مختلف حضور داشته‌اند؟ میزان اثرگذاری ایشان تا چه حد بوده است؟ آیا زنان شیعه در این عصر توانسته‌اند نقش موثر و مفیدی در ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و بهره‌گیری از حضور امام معصوم در دوره‌ای که مجال بیشتری برای علم‌آموزی و کسب معارف فراهم گردیده ایفا کنند؟

در منابع تاریخی معمولاً به فعالیت‌های مجدانه‌ی مردان تکیه شده است و اگر هم به حضور زنان اشاره‌ای شده باشد، سطحی و اجمالی بودن است به طوری که در میان لشکر پرتعداد مردان دیده نمی‌شود. این خلا پژوهشی ضرورت بررسی عمیق‌تر حضور بانوان را در فعالیت‌های گوناگون در عصر امام صادق (علیه السلام) دوچندان می‌سازد. از این رو پژوهش حاضر با هدف معرفی این بانوان و نقش و فعالیت‌های مجاهدانه‌ی آنان سعی دارد ابعاد مغفول مانده‌ی تاریخ از حضور این بانوان جهادگر را روشن سازد.

با بررسی پژوهش‌های پیشین دریافتیم که مقالاتی محدود با این موضوع نگارش یافته است از جمله: (جایگاه و نقش فرهنگی و سیاسی بانوان شیعه از عصر امام صادق (علیه السلام) تا غیبت صغری) نوشته‌ی سعیده رحیمی. «رحیمی، سعیده، ۱۳۶۲) جایگاه و نقش فرهنگی و سیاسی بانوان شیعه از عصر امام صادق (علیه السلام) تا غیبت صغری/ قم، زمکران، ۱۴۰۲»

همچنین اثر دیگری از این پژوهشگر با موضوع (نقش سیاسی بانوان شیعه در پیشبرد تشیع در نیمه دوم عصر امامت) «رحیمی، سعیده، ۱۳۶۲) نقش سیاسی بانوان شیعه در پیشبرد تشیع در نیمه دوم عصر امامت)، فرهنگ پژوهش، ۱۳۹۳» و همچنین پژوهشی با عنوان (نقش بانوان شیعه عصر امام صادق (علیه السلام) در بسط جریان تشیع) نوشته‌ی

نجمه صالحی و مهسا اسدبیگی «صالحی، نجمه، اسدبیگی، مهسا» نقش بانوان شیعه عصر امام صادق (علیه السلام) در بسط جریان تشیع، مجله سخن تاریخ، ۱۳۹۸» که سعی داشته‌اند به ابعاد فرهنگی و سیاسی فعالیت‌های این بانوان در عصر امام صادق (علیه السلام) بپردازند. رویکرد جامع این پژوهش‌ها در پوشش دهی جنبه‌های مختلف قابل تقدیر است. با این حال به دلیل وسعت زمانی و موضوعی، ممکن است کمتر به جزئیات مربوط به نقش بانوان و فعالیت‌های آنان و تنها به معرفی اجمالی بسنده کرده باشند و تمرکزشان را بر کلیات بحث و تحلیل و بررسی نقش بانوان گذاشته باشند.

پژوهش حاضر با هدف تکمیل آنان به صورت خاص و متمرکز به معرفی این بانوان فعال شیعه در عصر امام صادق علیه السلام و بیان نمونه‌هایی از فعالیت آنان می‌پردازد که برای شناخت و الگوگیری از این بانوان، نقش موثری خواهد داشت ان شاءالله. این رویکرد به پژوهش حاضر امکان می‌دهد تا با تمرکز بیشتر و بیان مثال‌های عینی از فعالیت‌های این بانوان، جزئیات و ظرایف نقش زنان را که در مطالعات پیشین کمتر به آن توجه شده است را مورد بررسی قرار دهد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- تشیع

در زبان عربی، «تشیّع» مصدر باب تفعّل از ریشه «شَیْعَ» (شاع) است، و واژه «شیعه» نیز از همین ریشه اشتقاق یافته است.

در اصل عربی، «شیعه» به معنای گروهی از مردم است، و اسمی است که بر مفرد، تثنیه و جمع، و نیز بر مذکر و مؤنث، به یک شکل اطلاق می‌گردد (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۹) که در فارسی نیز به همین گونه است. البته اگر بخواهند تنها مفرد را قصد کنند چه در فارسی، و چه در عربی «شیعی» می‌گویند، و جمع آن در فارسی «شیعیان» است. اما در عربی، با توجه به مراتب گوناگون جمع، «شَیْعَ» (جمع) و «اشیاع» (جمع الجمع) استعمال می‌گردد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸) در عربی، واژه «شیعه» در دو معنای لغوی نزدیک به هم به کار می‌رود:

الف. «الشَّيْعَةُ» به شکل «مفرد» (بدون «اضافه» به واژه دیگر): به معنای «گروه» و دسته‌ای که بر سر امری یگانه، گرد هم آیند.

ب. «شَیْعَةُ الرَّجُل» (شیعه آن مرد؛ مثلاً) به شکل «مضاف»: به معنای «پیروان» و «یاوران» آن مرد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۸)

حال، در رابطه با واژه «تشیّع» (مصدر باب تفعّل) باید دانست که این واژه در زبان عربی، در استعمال‌های گوناگون دارای معناهای متعددی است؛ از جمله:

الف. «تَشَيَّعَ فِي الشَّيْءِ»: «در هوای (میل به) آن چیز، مستهلک شد.» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۹۰) همچنین در مورد هر آنچه که با آتش سوزانده شود، گفته می شود: «شَيَّعَ». (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۹۰)
 ب. «شَيَّعَهُ»: «از او پیروی کرد.» در همین معنا، «يُشَيِّعُهَا»، یعنی: «پشت سر او راه می رود.»

ج. «تَشَيَّعَ»: «شیعه مذهب شد»، «مذهب تشیع داشت»، و «ادعای شیعی بودن کرد» که البته این معانی، ناظر به معنای اصطلاحی تشیع است که در ادامه این نوشتار، مورد بررسی قرار می گیرد.

ناگفته نماند که آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت، تنها برخی از معنای لغوی تشیع است، و بیش تر، مواردی است که با معنای اصطلاحی آن ارتباط دارد.

نقطه آغازین شکل گیری معنای اصطلاحی «تشیع»، به زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله باز می گردد که آن حضرت در چند نوبت، درباره «حامیان علی (علیه السلام)» اصطلاح «شیعه علی» را به کار بردند. چنان که در موردی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اشاره به علی (علیه السلام)، چنین فرمودند: «سوگند به کسی که جانم به دست اوست، این شخص [علی] و شیعیانش در قیامت رستگار خواهند بود.» جالب توجه آن که در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به طور مشخص چهار تن از اصحاب آن حضرت، به نام های ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد بن اسود کندی و عمار بن یاسر با لقب «شیعه علی (علیه السلام)» شناخته می شدند.

بر این اساس، واژه «شیعه» که در لغت، به معنای پیروان و یاوران است، در یک کاربرد اصطلاحی بر یاران و حامیان علی علیه السلام اطلاق گردید. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۸۹)

۲-۱- اسلام

انسان متصف به وصف اسلام، انسانی است که نسبت به سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تعیین می شود، چه سرنوشت تکوینی، از قدر و قضاء و چه تشریعی از اوامر و نواهی و غیر آن مطیع و تسلیم باشد. اسلام در اصطلاح بر شریعت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) اطلاق شده است. شاید بتوان گفت مناسبت میان معنای اصطلاحی و معنای لغوی اسلام این است که دین اسلام سراسر طاعت و تسلیم در برابر خداوند و پذیرش و انقیاد اوامر، بدون هیچ گونه اعتراضی است. [در فرهنگ قرآن، مسلمان تنها به پیروان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اطلاق نمی شود، بلکه اسلام به معنای وسیع کلمه (معنای لغوی)، تسلیم مطلق در برابر فرمان خدا و توحید کامل و خالص از هر گونه شرک و دو گانه پرستی است و به همین جهت است که قرآن کریم حضرت ابراهیم (علیه

السلام) را مسلمان معرفی می کند. و اگر خدای متعال به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: بگو هر آینه من مأمورم که نخستین کس باشم که تسلیم امر خدا شده باشد. اولین مسلمان در این جا، به معنای تسلیم مطلق در برابر خداوند در میان امت خود، است (معنای اصطلاحی) و گر نه شکی نیست که پیامبران گذشته و پیروانشان هم، مسلمان و تسلیم در برابر فرمان الهی بودند)

۲- اوضاع فرهنگی و سیاسی دوران امام صادق (علیه السلام):

امام صادق (علیه السلام) در دوره‌ای به امامت رسیدند که می‌بایست مکتب جعفری را در برابر امواج اندیشه‌های بیگانه بنا می‌کردند، در پرتو آن به تعلیم و تربیت افراد می‌پرداختند و حقایق اسلام و معارف قرآن را در دسترس علاقه‌مندان و دانش پژوهان فرقه‌های مختلف قرار می‌دادند. دوران امامت ایشان که پس از شهادت پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) در سال ۱۱۴ هجری و در سن ۳۱ سالگی آغاز شد، با حکومت پنج تن از خلفای اموی یعنی هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید بن عبدالملک، ابراهیم بن ولید و مروان بن محمد و همچنین با دوران تحول فرهنگی و پیدایش فرقه‌ها و گروه‌های مختلف همزمان بود. در آن زمان، مسلمانان با دنیای خارج روابط گسترده‌ای برقرار کرده بودند و اندیشه‌های فلسفی، کلامی و علمی بیگانگان به جامعه اسلامی راه یافته بود. بنابراین مسلمانان با افکار و عقاید دیگران نیز آشنا شده بودند. این آشنایی آثار مثبت و منفی بسیاری بر فرهنگ اسلامی به جا گذاشت. از جمله آثار منفی آن این بود که نفوذ افکار بیگانه در میان مسلمانان سبب پدید آمدن کشمکش‌های علمی و مناظرات درباره‌ی مسائل عقیدتی و کلامی موجب پیدایش فرقه‌های مختلف مانند زیدیه، اسماعیلیه، غلات، مرجئه، خوارج، دهریه و... شد. هر یک از این فرق برای خود مدرسه و تشکیلاتی داشتند. جلسات درس و بحث تشکیل می‌دادند و با گروه‌های دیگر به مناظره می‌پرداختند. اثر مثبت این رخدادها نیز افزایش عطش فراگیری فرهنگ اصیل اسلامی در میان مسلمانان بود. به همین دلیل امام صادق (علیه السلام) در برابر امواج اندیشه‌های بیگانه و سوالات بسیار مسلمانان، مکتب جعفری را بنا نهاد و فرهنگ اصیل اسلام را از آسیب جریان‌های فکری منحرف مصون داشت. امام صادق علیه السلام ۱۲ سال پایانی عمر شریف خود را در دوران حکومت منصور سپری کردند و در این مدت، بدترین آزارها را به جان خریدند. منصور امام را تحت فشار و مراقبت‌های شدید قرار داد، مجلس درس و بحث آن بزرگوار را تعطیل و رفت و آمد شاگردانش را ممنوع کرد. در این میان، وظیفه‌ی کاهش فشار و کنترل دستگاه حاکم برای انجام امور امامت به عهده‌ی بانوان شیعه به مثابه یاران مخفی امام بود. زیرا این امکان برای آنها فراهم بود که در بین مردم رفت‌وآمد کنند و به امور شیعیان

(صلی الله علیه و آله) مومنان همراه بودند و خدا سکینه خویش را بر رسول و بر مومنان نازل فرمود ولی در غار غیر از ابوبکر کسی از مومنان همراه پیامبر نبود و چون او مومن حقیقی نبود فرمود: (فانزل الله سکینه علیه) یعنی خدا سکینه خویش را بر رسولش فروفرستاد و ابوبکر را ذکر نکرد و اگر در حقیقت ابوبکر به خدا و رسول او ایمان داشت، بایستی به جای ضمیر مفرد، ضمیر تثنیه (علیهما) می آورد. مناظرات و مباحثات ادامه پیدا کرد. کار به جایی رسید که در حضور هارون و حاضران در مجلس، علمایی مانند ابراهیم و ابویوب شافعی و عده ای از علما به یکباره برخاستند و خواستند حسنیه را بکشند که با وساطت یحیی بن خالد برمکی هجوم آنها خنثی شد. چون یحیی بن خالد برمکی آنها را دید، نزد هارون درخواست و گفت: تو امروز در جای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشستهای، کنیزی علمای زمان را محکوم نموده و جملگی از پاسخ به او عاجز گشته اند و می خواهند با ظلم و تعدی در مجلس تو به او آزار برسانند و او را بکشند. اما شما ساکت نشستهای؟! هر یک از امراء نیز به طرفداری از حسنیه کلماتی به هارون گفتند و پسرعموی هارون به سوی ابراهیم بن خالد عونی و علما شمشیر کشیده، قصد دفاع از او را نمود. پس همه دست از حسنیه کشیده و بر جای خود نشستند. چون در دل حسنیه آتش محبت به اهل بیت (علیهم السلام) برافروخته شده و بر مسند فصاحت و بلاغت تکیه زده پیوسته و بی پروا در رد مذهب مخالفان عصمت و طهارت اهل بیت (علیهم السلام) برهان اقامه می نمود. در پایان ماجرا و ایمان آوردن بسیاری از مخالفان، یحیی بن خالد رو به حسنیه کرد و گفت: (شما در اثبات حقیقت مذهب خود هیچ کوتاهی نکردید و آن را اثبات نمودید. در آن روز چهارصد نفر مذهب خود را تغییر داده و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) را انتخاب کردند و هارون از آن روز دیگر به ظاهر متعرض سادات و شیعیان نمی شد و دستور داد دوباره خلعت های فاخر به حسنیه دادند و او را طلبید. آهسته به وی گفت: هر کجا می خواهی باش اما از این شهر برو، مبادا به تو صدمه ای بزنند. پسرعموی هارون که از محبان خاندان اهل بیت (علیهم السلام) بود و همه ی آنها یی که محبت این خاندان را داشتند، به حسنیه عطایا و بخشش ها نمودند و ابراهیم و ساید علمای اهل سنت شرمنده و روسیاه در حالی که مردم آنها را مسخره می کردند از مجلس هارون بیرون آمدند. حسنیه با خواجه ی خود و عده ای زیاد، پنهانی از بغداد بیرون رفتند و متوجه مدینه ی طیبه ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شدند و خود را به خدمت حضرت ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) رساندند. «رازی، علامه شیخ ابوالفتوح، حسنیه در دربار هارون، ۱۳۸۶ ش / حسینی (کهلائی)، سید نعمت الله، زنان فاضله، ۱۳۸۴ ش»

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف معرفی و بررسی نقش بانوان فعال در عرصه گسترش مبانی دین اسلام در عصر امام صادق (علیه السلام)، به این مهم دست یافت که بر خلاف تصور رایج، زنان در این دوره طلایی اسلام، حضوری فعال و تاثیرگذار در عرصه‌های علمی، فرهنگی و ترویجی داشته‌اند. دوران امامت امام صادق (علیه السلام) که به دلیل گسترش آزادی‌های علمی و شکوفایی بی‌نظیر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) شهرت دارد، بستری مناسب برای بروز استعدادها و فعالیت‌های عالمان دین - اعم از مردان و زنان - فراهم آورده بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بانوان بسیاری با درک عمیق از تعالیم اسلامی و با برخورداری از فضایل علمی و اخلاقی، در تبیین، آموزش و گسترش مبانی دین نقش‌آفرینی کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های این بانوان می‌توان به مشارکت فعال در مجالس علمی و درسی ائمه (علیهم‌السلام) و بزرگان دین، نقل و انتشار احادیث و روایات نبوی و ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، تربیت شاگردان و انتقال دانش به نسل‌های بعدی، تبیین مسائل شرعی و معارف دینی برای دیگر زنان و حتی مردان اشاره کرد. معرفی نمونه‌هایی از این بانوان چون بانو حمیده، ام‌فروه و حسنیه، به وضوح گویای سطح بالای علم و تعهد دینی آنان و عمق تاثیرگذاری‌شان در جامعه آن روز است. این زنان نه تنها خود عامل به احکام بودند، بلکه با شجاعت و درایت، در مسیر نشر حقایق دین و تحکیم پایه‌های فکری جامعه اسلامی گام برداشتند. این پژوهش با برجسته ساختن ابعاد کمتر دیده شده از تاریخ اسلام نشان می‌دهد که جایگاه زن در اسلام همواره محترم بوده و در طول تاریخ، بستر برای حضور فعال آنان در عرصه‌های مختلف به ویژه در گسترش دانش و معارف دینی فراهم بوده است. فعالیت‌های این بانوان، الگوهایی ارزشمند از زنان فرهیخته و تاثیرگذار را به جامعه‌ی امروز معرفی می‌کند که می‌توانند الهام‌بخش نسل‌های کنونی برای نقش‌آفرینی موثر در عرصه‌های مختلف باشند. در نهایت امید است این تحقیق فتح بایی باشد برای پژوهش‌های عمیق‌تر و جامع‌تر درباره نقش بانوان در تاریخ اسلام، به ویژه در دوره‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، تا از این طریق ابعاد پنهان و درخشان حضور آنان در اعتلای تمدن اسلامی بیش از پیش روشن گردد.

منابع

* قرآن کریم

کتب فارسی:

۱. حسینی (کهلائی)، سید نعمت‌الله، زنان فاضله در صحنه دانش و اندیشه، بی‌جا، انتشارات عصر انقلاب، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
 ۲. حیدری، احمد، بزرگ زنان صدر اسلام، قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
 ۳. داستان زنان، تاج (لنگرودی واعظ)، محمد مهدی، بی‌جا، چاپ پنجم، بی‌نا، ۱۳۵۵ ش.
 ۴. رازی، علامه شیخ ابوالفتوح، حسنیه در دربار هارون، (محقق: محمد فربودی)، بی‌جا، نشر بقیه‌الله، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
 ۵. شیرازی، علی، زنان نمونه، قم، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ نهم، ۱۳۹۷ ش.
 ۶. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، زنان نامی در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
 ۷. موسوی اصل، سیده طیبه، نقش بانوان محدث شیعه در خدمت به حدیث (تا پایان قرن پنجم هجری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۹۹ ش.
 ۸. موسوی کلانتری دامغانی، زنان قهرمان، تهران، انتشارات پیام انقلاب، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- کتب عربی :
۹. البرقی، ابوجعفر، رجال البرقی، تهران، منشورات جامعه طهران، بی‌تا.
 ۱۰. امین، سید محسن، اعیان‌الشیعه، (محقق: حسن الامین)، بی‌جا، مصادرات‌التاریخ، بی‌تا.
 ۱۱. الموحّد الابطاحی، سید محمدعلی، تاریخ آل زراره و شرح رساله ابی‌غالب الرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
 ۱۲. اردبیلی، محمد بن علی، جامع‌الرواه و ازاحه‌الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، لبنان - بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
 ۱۳. بحرانی، سید هاشم، مدینه معاجز الائمه الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، بی‌جا، موسسه المعارف الاسلامیه، بی‌تا.
 ۱۴. نام خانوادگی، نام، بانوان عالمه و آثار آنها، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، معاونت پژوهش، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۵. ابن منظور جمال الدين ، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. حر العاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، بى تا.
۱۷. حسون، محمد، اعلام النساء المومنات، بى جا، دارالاسوه للطباعة والنشر، بى تا.
۱۸. حلى، تقى الدين الحسن بن على بن داود، كتاب الرجال، بى جا، منشورات الشريف الرضى، بى تا.
۱۹. شراب، محمد حسن، نورالابصار فى مناقب آل البيت النبى المختار، بى جا، دارالقلم - دارالشاميه، بى تا.
۲۰. شوشترى، محمد تقى، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم - دفتر انتشارات اسلامى، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۲۱. صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، (مترجم: غفارى، على اكبر)، تهران، كتاب فروشى صدوق، چاپ اول، بى تا.
۲۲. صدوق، عيون اخبار الرضا، بى جا، بى نا، بى تا.
۲۳. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن (شيخ الطائفه)، تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه للشيخ المفيد رضوان الله عليه، (محقق: خراسان، حسن - آخوندى، على - مصحح: آخوندى، محمد)، تهران، دارالكتب العلميه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
۲۴. طوسى، عماد الدين ابى جعفر بن على، الثاقب فى المناقب، (محقق: علوان، الشيخ نبيل رضا)، بى جا، موسسه انصاريان للطباعة و النشر، بى تا.
۲۵. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، (محقق: مركز بحوث دارالحديث)، بى جا، دارالحديث للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
۲۶. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول الكافى، (مترجم: كمره اى، محمد باقر)، قم، اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. كشى، محمد بن عمر، رجال الكشى - اختيار معرفه الرجال، (محقق: طوسى، محمد بن الحسن - مصطفى، حسن)، مشهد، موسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۸. مامقانى، عبدالله - مامقانى، محمدرضا - مامقانى، محى الدين، تنقيح المقال فى علم الرجال، بى جا، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، بى تا.
۲۹. ميلانى، سيد هاشم، تعريب منتهى الآمال فى تواريخ النبى و آل، بى جا، جماعه المدرسين، بى تا.

۳۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، بی‌جا، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۳۱. مدنی، علی‌خان بن احمد، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، لبنان - بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۹۸۳ م.

۳۲. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، تهران، فرزند مولف، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

※سایت ها

۱- خبرگزاری بین‌المللی قرآن/ایکنا iqna.ir ۱۵/۲/۱۴۰۳

۲- fatemeh_tehran.kowsarblog.ir

۳- hawzah.net